
کتاب الملخص فی اللغة مع الوفاء بترجمة ما فی القرآن

ابوالفتح حمد بن احمد بن حسين بادی
معروف به کافی

نسخه برگردان دس نویسن شماره ۹۴۵۵
کتابخانه مجلس شورای اسلامی
(کتابت ۱۰۶۴ هـ.)

با مقدمه

محمود جعفری دهقی



مرکز پژوهشی میراث مکتوب

تهران ۱۳۹۵ هـ.ش

- سرشناسه : بادی، حمدین حسین
عنوان و نام پدیدآور : ... الملخص فی اللغة مع الوفاء بترجمه ما فی القرآن / ابوالفتح حمدین احمد بن حسین بادی معروف به کافی؛ با مقدمه محمود جعفری دهقی.
- مشخصات نشر : تهران: میراث مکتوب؛ ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری : سی و نه، ۶، ۲۴۳ ص: نمونه.
فروست : میراث مکتوب؛ ۲۹۲. نسخه برگردان: ۲۵.
شابک : 978-600-203-115-0
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
یادداشت : عربی.
- موضوع : زبان عربی - واژه نامه ها - متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع : Arabic language-Dictionaries-Early works to 20th century
موضوع : زبان عربی - صرف و نحو - واژه نامه ها
موضوع : Arabic language-Morphosyntax-Dictionaries
- شناسه افزوده : جعفری، محمود، ۱۳۲۹ - ، مقدمه نویس
شناسه افزوده : مرکز پژوهشی میراث مکتوب
رده بندی کنگره : PJ ۶۶۲۰/ب۲م۷ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی : ۴۹۲/۷۳
شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۸۷۵۰۴

کتاب الملخص فی اللغة
مع الوفاء بترجمة ما فی القرآن

ابوالفتح محمد بن احمد بن حسين بادی معروف به کافی

با مقدمه

محمود جعفری دهقی

ترجمه گزیده مقدمه به انگلیسی

مصطفی امیری

میراث مکتوب

مادر تولید: محمد باهر

آماده سازی تصاویر: مهرداد خانی

مدیر فنی و امور چاپ: سیرین شاملو فرد

چاپ (دیجیتال) میراث

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

بها با جلد شومیز: ۲۰۰۰۰ تومان

بها با جلد سخت: ۳۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۳-۱۱۵-۰ ISBN 978-600-203-115-0

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است
نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

http://www.MirasMaktoob.ir

الفصل الثاني

دریای از فرهنگ پر مایه اسلام و ایران در خلی خلی موج می زند. این نسخه با در حقیقت کارنامه دانشمندان و نویسندگان بزرگ و هویت نامده ایرانیان است بر عهد و نسل است که این میراث پرارج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

با کوششهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تبیین و آنجا انجام گرفته، در سال ۱۳۷۲ از ششده اثر یافته هنوز کار نگرفته بسیار است و هزاران کتاب در سالهای ۷۰ و ۷۱ در داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر شده است. بسیاری از متون نیز، اگرچه بارها توسط برده‌ها و روش علمی نیست و تحقیق تصحیح مجدد نیاز دارد. احیاء کتاب و در سالهای ۷۰ و ۷۱، به روش صحیح و متون است. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوششهای محققان و مصححان، و با مشارکت ناشران، مؤلفان، اشخاص فرهنگی و علاقه‌مندان به دانش و فرهنگ، به میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه‌ای از ششده متون و منابع تحقیق به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

از فعالیت های دیگر مرکز چاپ نسخه برداران (فایکسید) نسخه های خطی ارزشمند است
از این رو، با استفاده از تجاربی که تاکنون به دست آمده و با توجه به فعالیت های
پیشین، در یک طرح منظم و روشمند، شماری از نسخه های خطی را بصورت نسخه برداران با
مقدمه یا و نهایه های سودمند در دسترس پژوهشگران قرار خواهیم داد.

اکبر ایرانی
میرزا علی محمد کرمانشاهی میراث مکتوب

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۴
نگاهی به مهمترین لغت‌نامه‌های عربی به فارسی	۴
معرفی کتاب	پانزده
نام و مشخصات کتاب	شانزده
ویژگیهای کتاب	هفده
ویژگی نگارش واژه‌های فارسی در این فرهنگ	هجده
کاربرد انواع حروف در الملخص	بیست
کلمات مستقل و ساده	بیست و یک
کلمات مرکب	بیست و یک
فرایندهای واجی	بیست و یک
به کارگیری صفت در معنای قید	بیست و دو
برخی ویژگیهای مربوط به افعال	بیست و دو
نمونه لغات فارسی فرهنگ الملخص	بیست و سه
الف. اسامی و صفات	بیست و سه
ب. نمونه‌ای از افعال ساده و مرکب	سی و سه
[مقدمه مؤلف]	سی و هفت

متن نسخه

(۱ - ۲۲۷)

پیوست	۲۲۹
نمایه لغات فارسی	۲۳۳
کتابنامه	۲۴۳

پیش‌گفتار

نگاهی به مهمترین دست‌نامه‌های عربی به فارسی

وجود لغت‌نامه‌های اویم ایوک و فرهنگ پهلوی برای زبانهای اوستا و پهلوی منسوب به دوران ساسانی نشان‌دهنده وابستگی دیرین تدوین اینگونه آثار نزد ایرانیان و استادی و عنایت آنان به این مهم بوده است. نکته این سنت در عصر اسلامی نیز ادامه یافت و آثار گرانقدری در لغت‌شناسی از عربی به فارسی، فارسی به عربی، فارسی به فارسی و فارسی به ترکی و دیگر زبانهای رایج در این سرزمین است و انتشار یافت. این ندیم کهن‌ترین کتاب لغت را تألیف ابوعیسی بن علی بن عیسی بن داود الجراح، در منطق و علوم قدیمه بر می‌شمارد (الفهرست، ص ۲۱۲). از این کتاب نشان‌دهنده سنت نیست.

۱. به نظر می‌رسد که فرهنگ‌نویسی سابقه‌ای نسبتاً دیرینه در تاریخ فرهنگ و ادبیات ایران داشته است. اگرچه احتمالاً تدوین نهایی فرهنگهای فوق‌الذکر در سده‌های سوم و چهارم هجری صورت گرفته باشد. این مورد سرچشمه‌های نخستین این دانش به دوره‌های کهن‌تری باز می‌گردد. ظاهراً لزوم تألیف فرهنگی نظیر اویم ایوک که شامل لغات اوستایی و ترجمه و معنای آنها به زنده است زمانی مشهود بود که خوانندگان اوستا دیگر از این زبان درک روشنی نداشتند. این دوره را بیشتر به اواخر عهد ساسانی نسبت داده‌اند. امروزه از این فرهنگ دو نسخه K20 و M51 موجود است. نسخه نخستین متعلق به کتابخانه کپنهاگ بوده و عکس آن در سال ۱۹۳۱ همراه با مقدمه مفصلی در معرفی آن به وسیله آرتور کریستنسن به چاپ رسیده است. نسخه دوم در کتابخانه دولتی مونینخ نگهداری می‌شود و بنابر نظر بارتولومه ظاهراً با نسخه K20 از اصلی یکسان استساخته شده است. فرهنگ اویم ایوک نخستین بار در سال ۱۸۶۷ به وسیله دستور هوشنگ و مارتین هوگ ترجمه و منتشر شده؛ همچنین پژوهشگر فقید آلمانی هانس رایشلت این اثر را تصحیح و منتشر نموده است. لازم به یادآوری است که وجه تسمیه این فرهنگ بر اساس نخستین واژه اوستایی آن oim و ترجمه زنده آن Ewak «یک» واقع بوده است (نک. جعفری دهقی ۱۳۹۱: ۶۵).

در عصر اسلامی دو عامل ترجمه و تفسیر قرآن و دریافت مفاهیم عمیق آن از یک سو و ایجاد بیت الحکمه به ریاست عبدالله بن مقفع در بغداد و ترجمه آثار علمی و فلسفی از زبانهای پهلوی، سانسکریت، یونانی و سریانی به عربی و بنابرین، نیاز به فقه اللغة از سوی دیگر، تهیه و تدوین لغت‌نامه‌های عربی به فارسی را اجتناب‌ناپذیر نمود. از سده چهارم هجری با گسترش مراکز مختلف علمی و مدارس دینی در بغداد و شهرهای ایرانی و ماوراء النهر تدوین لغت‌نامه‌ها نیز توسعه یافت و دانشمندان لغوی نامداری به نگارش و تدوین لغات پرداختند. شیوه غالب این نویسندگان بنابر دوروش تنظیم لغات بر اساس حروف تهجی و ترجمه آنها و نیز تدوین لغات بنابر معانی آنها بود. افزون بر این، ایجاد لغت‌نامه‌های عربی به فارسی موجب صیانت و حفظ گنجینه بزرگی از واژگان فارسی مربوط به اعصار گذشته شد.

برخی از مهمترین لغت‌نامه‌های عربی به فارسی که از اوایل سده چهارم هجری تألیف شده عبارتند از:

- تاج المصادر احتمالا تألیف ابن جریر محمد بن عبدالله سمرقندی متوفی به سال ۳۴۳ که در کشف الظنون حاجی‌اللفه، آن اشاره شده است (دبیرسیاقی، ۱۰).

- البلغة المترجم فی اللغة: به وسیله سنی‌السناس در نیمه نخست سده پنجم (۴۳۸ ق) در باب اندام انسان و پیشه‌ها نگاشته شده است.

- مصادر: مجموعه‌ای از واژه‌نامه‌های عربی به فارسی با عنوان المصادر از سده دوم هجری به وسیله لغویون بر اساس معنای لغات تدوین شده است (دهخدا ۲۶۶).

- ترجمان قرآن: گروه دیگری از واژه‌نامه‌هاست که شرح جزئیات آن با همین عنوان در مقدمه لغت‌نامه دهخدا آمده است (نک. منزوی، ۲۶۵).

- دستور اللغة (کتاب الخلاص) تألیف بدیع الزمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم نطنزی (م. ۴۹۷/۴۹۹).

- مرقات: فرهنگ دیگری است که به همین ادیب نطنزی نسبت داده شده است. فهرست برخی از بابهای آن عبارت است از: اصناف مردم؛ داروها و بیماریها؛ خوراکیها و آشامیدنیها؛ و سلاحها و متاعها.

قرن ششم شاهد چند اثر ارزنده در باب فرهنگهای عربی به فارسی بود. مهمترین این آثار بدین شرح‌اند:

- السامی فی الاسامی از ابوالفضل احمد بن محمد بن احمد میدانی نیشابوری متوفی به سال ۵۱۸ هجری. این فرهنگ در چهار بخش الف. واژه‌های مذهبی، ب. حیوانات و حیوانیها، ج. آسمانیها و ستاره‌شناسی، د. زمینها و جغرافیا تنظیم شده است.

- الابانة: که در شرح السامی فی الاسامی است.

- الاسمی فی الاسماء: این اثر تألیف پسر میدانی و به ترتیب حروف تهجی است.

- قانون الادب از حکیم شرف الدین یا کمال الدین ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمد کمالی قفلیسی مطب، دانشمند نیمه دوم سده ششم که صاحب آثار متعددی در طب و نجوم و لغت است. تألیفات او از لحاظ شناخت بیشتر گویش آذری حائز اهمیت است. حبیش در این اثر اسمها را نیز مانند مصدرها به ترتیب وزن مرتب کرده است (متزوی ۲۸۶).

وی همچنین تألیف دیگری با عنوان کتاب قوافی در زمینه لغت دارد.

- المصادر تألیف ابوالفضل عبدالله حسین بن احمد زوزنی لغت‌شناس قرن پنجم هجری که تألیف خود را بنابر نفع ارباب تریه کرده بود.

- حمد و ثناء از رشید الدین وطواط مؤلف اثر مشهور حدائق السحر.

- تراجم الاعاجم: تألیف ابوالقاسم نقاش خوارزمی متوفی ۵۶۲ ق. در ترجمه مفردات قرآن.

- مهذب الاسماء فی مرتب الحروف و الاسماء تألیف محمود بن عمر القاضی الزنجی السنجری که در بیست و هشت باب تدوین شده است.

- نهاية اللغة یا النهایة فی غریب الحدیث در چهار باب تألیف ابن الاثیر جزری ادیب قرن ششم هجری.

- مقدمة الادب: تألیف محمود بن عمر بن محمد بن عمر مکنی به ابوالقاسم خوارزمی و ملقب به جارالله که صاحب تألیفات بسیار در علوم تفسیر و حدیث و نحو و لغت است. در کتاب مقدمه ترجمه واژه‌های تازی را به فارسی و خوارزمی نقل کرده است (متزوی ۲۷۶).

- تاج المصادر: از احمد بن علی بن ابوجعفر محمد بن صالح معروف به ابوجعفرک بیهقی مقری متوفی به سال ۵۴۴ هجری. پیش از او زوزنی نخستین کسی بود که به ترجمه مصادر عربی به فارسی همت گماشت. بیهقی کار زوزنی را تکمیل کرد. این فرهنگ در سال ۱۳۶۶ نیز به چاپ رسیده است.

- جوامع البیان در ترجمان قرآن: از همین مؤلف که به ترجمه لغات قرآنی پرداخته است. از این مؤلف فرهنگهای دیگری به نامهای وجوه قرآن و ترجمان قوافی در دست است.

- دو تألیف المغرب فی اللغة الفقه و المغرب از امام ابوالفتح مطرزی خوارزمی (۵۳۸-۶۱۰ هجری) (نک. صفا، ۱۳۷۸، جلد دوم ۳۲۳-۳۱۷).

قرن هفتم با چهار نوع فرهنگهای عربی به فارسی روبرو است. گروه نخست فرهنگهای منظوم است. از جمله این فرهنگها یکی نصاب الصبیان هاست که مشهورترین آنها نصاب ابونصر فراهی (بدرالدین محمد بن حسین فراهی سجزی) متوفی به سال ۶۴۰ هجری است. این لغت نامه به منظور آموزش کودکان به نظم درآمده است. تألیف و سرایش این گونه نصابها به تالیف ابونصر فراهی تاسده چهاردهم ادامه داشت.

همچنین، زهرة الادب که به بروی از نصاب الصبیان به وسیله شکرالله بن شمس الدین احمد از اهالی غرب ایران در سده هفتم و هشتم به نظم کشیده شده است. نیز نصیب الفتیان و نسب التیان که همان نصاب الصبیان به وسیله حسام الدین خویی از ادبای نیمه دوم قرن هفتم آذربایجان منظوم شده است.

برخی دیگر از این فرهنگها عبارتند از: معین الالفاظ؛ سلك الجواهر؛ نصیب الاخوان؛ محمدیه؛ مرقات الادب؛ تحفة علانی؛ تحفة الفقیر؛ کاتبیه؛ عقود الجواهر؛ نصاب حسنی؛ مثلثات منظوم؛ فتحیه؛ نصاب معروف؛ ابواب العربیة؛ قبة الفتیان؛ تحفة وهبی؛ گوهر منظوم؛ نصاب شیدا؛ مفتاح اللغة؛ لغات قرآن؛ سرفاز الصبیان؛ سبکة المعانی (منزوی ۵-۲۹۱).

گروه دوم، فرهنگهایی است که تنها به گردآوری اسامی و حروف پرداخته اند. مهمترین آنها یکی فرهنگ مذهب الاسماء فی مرتب الحروف والاشیاء تألیف محمد بن عمر بن محمود بن منصور القاضی الزنجی السجزی و دیگری تهذیب الاسماء یا تاج الاسامی از مؤلفی ناشناس است.

گروه سوم، فرهنگهای همگانی است که برخی بر اساس حروف نخست و پاره ای بر مبنای حروف پایانی مرتب شده اند. مهمترین این فرهنگها یکی کوامع اللغات و لوامع المصطلحات از مؤلفی ناشناس است و دیگری الصحیفة العذراء یا الصحیفة السدیدیه تألیف سدیدالدین ابوبکر نسفی است.

گروه چهارم، فرهنگهایی است که از عربی به فارسی ترجمه شدند و مشهورترین آنها صراح اللغة است که ترجمه فرهنگ معروف صحاح اللغة تألیف اسماعیل بن حماد فارابی معروف به جوهری است. این فرهنگ که براساس حروف الفبا تنظیم شده یکی از فرهنگهای ارزشمند زبان عربی به شمار رفته است. به همین سبب جمال قرشی در سال ۶۸۱ هجری در کاشغر ماوراءالنهر به ترجمه آن پرداخته است. پس از او نیز دانشمندان متعددی به شرح و تفسیر و تلخیص آن پرداختند (منزوی ۳۰۹-۳۰۶).

- صحاح العجم از شمس الدین محمد بن هندوشاه نخجوانی معروف به شمس منشی. در سده هشتم نیز چند فرهنگ عربی به فارسی تدوین شد. از آن جمله است المستخراس که احتمالاً تألیف حافظ الدین بخاری است. این فرهنگ در ترجمه لغات قرآن است و به مناسبت هر کلمه توضیحات ادبی و دستوری بر آن افزوده است. دو دیگر فرهنگ ترشیح الفضائل که خلاصه مقدمه الادب زمخشری است. افزون بر این دو، فرهنگهای منظومی نیز به تقلید مصنفان عربی و فارسی یا در شرح آن به نظم آمد که برخی از آنها عبارت است از ریاض الفتیان از ابن سناء سروی؛ سلک جواهر از عبدالحمید انکوری؛ نصیب اخوان از شاعری با تخلص «مضهر».

- شرفنامه منیری تألیف ابراهیم فرامی (۷۱۲ ق.) که فرهنگی است به عربی، فارسی و ترکی (صفا، ۱۳۷۸، جلد سوم - بخش اول، صص ۲۸۷-۲۸۴).

فرهنگهای فراهم آمده در سده نهم عبارتند از:

- کنز اللغات تألیف محمد بن عبدالخالق گیلانی در سده نهم هجری. وی که در تألیف خود از قرآن، کتب لغت عربی، تفسیر، حدیث و طب سود جست، اثر خود را به پادشاه گیلان، کارکیا محمد تقدیم کرده است. فرهنگ کنز اللغات به ترتیب حروف هجا در آخر ریشه تنظیم شده است (صفا، ۱۳۷۳، جلد چهارم، ص ۱۱۲).

از فرهنگهای دیگر این دوره دستور الاخوان است که توسط شخصی به نام دهاروال «رئیس منطقه دهار، از مضافات دهلی» نوشته شده است. ترتیب این فرهنگ بر اساس حرف آغاز کلمات است. وی فرهنگ دیگری به نام اداة الفضلا تألیف نموده که فارسی به فارسی است. دیگر فرهنگ ترجمان القرآن جرجانی از میر سید شریف جرجانی؛ و ترجمان قرآن عادل بن علی است. تألیف فرهنگهای عربی به فارسی به شیوه منظوم در آن دوره نیز رواج داشته و برخی از آنها عبارتند از عقود الجواهر احمد داعی کرمیانی؛ مرفقات الادب از

ملا احمدی کرمیانی؛ تحفة علائی از محمد بن بواب؛ تحفة الفقیر از ناظمی ناشناس؛ کاتبیه از محمد بن ولی بن رضی الدین مشهور به کاتبی انقروی؛ رافع النصاب و نصاب المعلم که هر دو نیز به سبک نصابهای معمول و به پیروی از ابونصر فراهی تدوین شده‌اند.

قرن دهم: تألیف و نگارش فرهنگهای عربی به فارسی در قرن دهم به علت جنگهای ایران و عثمانی و عدم حمایت دولتمردان صفوی رونق چندانی نداشت. چند فرهنگ به دست آمده از این عصر عبارتند از: بحر الجواهر که مجموعه‌ای از لغات پزشکی عربی، سریانی، یونانی و لاتین است و مؤلف، محمد بن یوسف طبیب هروی آنها را به فارسی معرفی کرد و گزیده‌ای از آن را نیز به نام جواهر اللغة نامیده است. فرهنگ دیگری نیز در واژه‌های پزشکی با عنوان لغات یوسفی از همین مؤلف به دست آمده است. از دیگر فرهنگهای این دور می‌توان به اللغة فی ترجمة الاسم تألیف حسام الدین یا برهان الدین ابراهیم شبستری و نیز یک سر حرة الاسماء تألیف لطف الله بن یوسف قاضی حلیمی اشاره نمود. حلیمی صاحب فرهنگ دیگر، به نام بحر الغرائب است که فرهنگی فارسی به فارسی است. افزون بر آنچه گفته شد، فرهنگ دیگری نیز از این دوره باقی مانده که عبارتند از: شرح نصاب دشت بیاضی؛ شرح نصاب محمد بن جلال قهستانی؛ شرح نصاب ابن امیرالحاج؛ شرح نصاب المتعلم از مؤلفی ساسانی؛ شرح لغات مشکل نصاب از یعقوب بن محمد چرخ؛ شرح نصاب و ضوح الناصیین؛ فرهنگ مثلثات منظوم از شاعری به نام بدیعی. این فرهنگ حاوی لغاتی است که از لحاظ نگارش به هم اما از جهت معنی متفاوتند. اینگونه فرهنگها را در اصطلاح لغت‌شناسان «سلطات» گویند. (منزوی ۳۳۲).

قرن یازدهم تا چهاردهم: مهمترین فرهنگ‌های این چند سده عبارتند از:

ترجمه و شرح قاموس فیروزآبادی تألیف محمد بن حسن شیروانی، معروف به ملا میرزا؛ منتخب اللغات شاه‌جهانی تألیف عبدالرشید بن سید عبدالغفور حسینی، تالیف دانشمندان دربار شاه‌جهان و پسرش عالمگیر. وی فرهنگ خود را در سده یازدهم هجری به اتمام رسانده و آن را به شاه‌جهان گورکانی تقدیم کرده است. حسینی لغات پرکاربرد روزگار خود را از لغت‌نامه‌های معتبر برگرفته و به زبانی روان و ساده در این فرهنگ درج کرده است. دیگر فرهنگهای این دوره عبارتند از:

قسطاس مستقیم در شرح لغات قرآن تألیف محمدعلی بن شاهقلی رازی؛ انتخابیه یا انتخاب اللغة در اصطلاحات متصوفه از ملا ابراهیم؛ قتیبة الفتیان که منظومه‌ای است در

صنایع بدیعی از صدر بدر؛ و شرح نصاب از محمد مقبیم جعفری. در قرن دوازدهم دو فرهنگ عربی به فارسی تدوین شد. یکی فرهنگ سماء الاسماء تألیف مهدی قلی‌خان متخلص به «صفا» که دائرة المعارفی است که بر اساس حروف نخست مرتب شده. دودگر ترجمان اللغة که ترجمه قاموس فیروزآبادی است به فارسی و توسط ملا محمد شفیع قزوینی انجام گرفت. در سده‌های سیزدهم و چهاردهم فرهنگهای ارزشمندی به فهرست فرهنگهای عربی به فارسی افزوده شد. مهمترین آنها بدین شرح است. منتهی الارب فی لغات العرب تألیف عبدالرحیم صفی پوری هندی. این لغت‌نامه که مجموعه کاملی بر اساس منابع معتبر پیشین است به ترتیب حرف اول و دوم هر لغت تنظیم شده است. زیادة اللغات. محمد ماهر سبزواری؛ مفتاح اللغة از محمد جعفر ابن میرزامحمد که فرهنگی منظوم است و به پیرایه از نصاب سروده شده است؛ چند شرح نصاب از جمله تحفه وهبی از محمد وهبی. بل زاده الثبانی فی تصحیح لغات نصاب الصبیان از محمدعلی تفرشی؛ الدرة الثمينة از علی‌الله حسینی حسینی یزدی؛ نصاب نزهة الصبیان از عبدالمجید که در سال ۱۱۰۸ هجری به تقلید از نصاب الصبیان ابونصر فراهی به نظم کشیده شده است (صفا، ۱۳۷۸، جلد پنجم، ص ۴۱۲-۴۱۰). و نیز شروح نصابهای متعددی که مجال ذکر آنها در این مختصر نیست و برای آدبی از مروج این فرهنگها باید به مقاله ممتع علینقی منزوی در مقدمه لغت‌نامه دهخدا مراجعه نمود.

معرفی کتاب

کتاب الملخص فی اللغة تألیف ابوالفتح حمد بن احمد بن حسین بادی معروف به کافی است. در باره مؤلف باید گفت که تاکنون در مآخذ تراجم یاد نشده است. متن اثر نیز اشاره‌ای به زندگی و احوال وی مشاهده نمی‌شود. الملخص فرهنگ لغت عربی به فارسی بسیار ارزشمند و ظاهراً منحصر به فردی است که نسخه آن در سال ۶۸۴ ق. کتابت شده ولی متن آن، باتوجه به لغات کهنه و نحو قدیمی آن در مقدمه کهنه‌تر می‌نماید. به نوشته مصنف، این فرهنگ برای استفاده نوآموزان تدوین شده. آنچه در مقدمه درباره انگیزه تدوین کتاب آمده این است که این اثر مختصر دانشنامه‌ای است که به منظور استفاده کسانی تألیف و تدوین شده که به وقت خویش و در کودکی به کسب علم توفیق نیافته و در بزرگسالی به فراگیری لغت و دانشهای ضروری راغب شده‌اند. این نکته در مقدمه اثر

به روشنی توضیح داده شده، چنانکه مؤلف گوید:

... این کتاب جمع کرده شد از بهر جماعتی کی راغب باشند برخی از لغة عرب بخوانند و در وقت خویش تحصیل آن نکرده باشند و چون ایشان را گفته شود مجلدی از اسما و یکی از افعال و یکی از ادوات و یکی از نحو و یکی از تصریف حفظ باید کرد تا واقف شود ... طبع او با حفظ کردن الف ندارد. نفره گیرد و طمع ببرد از تحصیل کردن آن و نیز قصور همت اهل روزگار پوشیده نباشد و شرط شفقت آن باشد که تکلیف اهل روزگار، آن کتی که طبع ایشان آن را قبول کند (ص ۱ پ).

وی هم چنین کوشیده است در گزینش لغات و واژگان عربی، لغات و واژگان به کار رفته در قرآن و احادیث را مورد توجه قرار دهد و آنها را «پارسی‌بی کی همه کس حقیقة آن بدانند» (ص ۳ ر) ترجمه کند و از به کارگیری گویشهای زبانی در ترجمه خودداری ورزد. مؤلف در این باره می‌گوید:

و با این سخن می‌خواهد بگوید که قرآن مجید است بیایند، و نیز آنچه در ... در اخبار است بیایند، چه مهور، آن را می‌آوردن کرد مگر چیزی که از قلم بیفتد، و کتب در تراجم قرآن بسیار است، اما در ... می‌آوردن کسی کلمه جوید کی او حافظ قرآن نباشد دشوار بسر آن تواند رفت و درین کتاب از سر آن توان شد در موضع خویش ... (ص ۲ ر).

بنابر آنچه گفته شد و به طوری که از دیباچه کتاب برمی‌آید، الملخص فی اللغة ممکن است بخشی باشد از کتاب دایرة المعارف گریه خود مؤلف با نام افانین العلوم و امانی ذوی الفهوم [۳ ر، سطر ۵]. شیوة تدوین کتاب را که الفانین است وی در دیباچه توضیح داده است. پس از حرف یاء، بابی شروع می‌شود با عنوان «باب در حیزها کی آوردن آن بر حروف معجم مرتب نباشد، شامل مواردی از نام ایام هفته، ماههای عربی، فارسی، سریانی، برجها، منازل قمر، کواکب، حساب، بحثی در شعر و غیره.

نام و مشخصات کتاب

نام کتاب در مقدمه و صفحه عنوان چنین آمده است: الملخص فی اللغة مع الوفاء بترجمة ما فی القرآن و الحاق غرایب الاحادیث بترجمتها به بتمة النحو و التصریف. همچنین، نام کتاب و مؤلف در صفحه عنوان درج شده است و دو بیت عربی در وصف کتاب از مؤلف آمده است:

جمعت کتاباً لکم فی الادب و لخصت فی ذاک لسن العرب
خذوه بقونکم و احفظوا و عوا یکفکم من صنوف التعب

ویژگیهای کتاب

نسخه موجود که به شماره ۹۴۵۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ثبت شده نسخه ای نفیس به خط نسخ بسیار خواناست. قطع کتاب ۱۲ در ۲۰ سانتیمتر و شامل ۱۱۵ برگ است که هر برگ در بیست سطر نگاشته شده. تاریخ نگارش کتاب غره ذی قعدة ۸۴۶ق. است. عناوین و نشانیها شنگرف و جلد کتاب تیماج است. در صفحه عنوان یادداشتی مبنی بر هدیه کتاب به «ابنی شیخ محمد» و وقف کتاب درج شده است. آغاز کتاب:

صفحه عنوان

کتاب الملتخص فی اللغة

مع الوفاء

بترجمه ما فی القرآن

تصنیف الشیخ الامام ابو الفتح

(حمد بن احمد بن حسین البادی

المعروف بکافی غفر الله]

ولجميع المؤمنين والبريات

والمسلمين والمسلمات

برحمتک یا ارحم

الراحمین

قال المصنّف بالعربیّة

جمعت کتاباً لکم فی الادب و لخصت فی ذاک لسن العرب

خذوه بقسوتکم واحفظوا وعوا یکفکم من صنوف التعب

انجام کتاب:

... حرف روی ان باشد که بیش از قافیه نگاه می دارد و هم آن قافیه باز می آورد و الله

اعلم تمت الملخص بحمدالله و منه و صلواته على خير خلقه محمد و آله اجمعين بتاريخ
غره ذوالقعدة سنه اربع و ثمانين و ستمائة تاريخ ٦٨٤.

ویژگی نگارش واجهای فارسی در این فرهنگ

/آ/ به دو شکل نوشته شده است:

١. با نشانه مدّ، مانند: آب [١٢ پ]؛ بیار آمد [١٢ پ]؛ آرام تن [١٢ پ]؛ آبله [١٣ پ]؛ آزادی [٥٧ پ]؛ آرمیده شدن [٧٨ ر]؛ آفتابه [٧٨ ر]؛ باواز خندیدن [٧٨ ر]؛ آتش دان [٨٢ پ]، ٨٣ ر؛ آردیز [٩١ پ]؛ آزوری [٩٦ ر]؛
٢. بدون نشانه مدّ، مانند: ابگینه [٧٨ ر]؛ اهین [٨٣ ر]؛ انگاه [٦ پ]؛ انکه [٦ پ]؛ اگاه باش [٦ پ]

اینکه واژه‌های خاص گاه با نشانه مد و گاهی بدون نشانه مد نوشته شده ممکن است در اثر بی‌توجهی کاتب بوده باشد. گاه همه‌ای را به دو شکل در یک صفحه آورده است. مانند: العشرة «آمیزکاری»، عاشر «اسرار» [٥٩ پ] بنابراین، به نظر نامحتمل می‌رسد که اینگونه نمونه‌ها نمودار دو تلفظ متفاوت (در باب انواع /آ/ نک. برهان قاطع، دیباچه مؤلف، کد.).

مؤلف الملخص در باره همزه خود چنین توضیح می‌دهد: الهمزة: آن علامت کی به جای الف نویسند چون متحرک بود [١٠٣ ر].

/ب/ بنابر رسم الخط متون کهن مربوط به سده‌های پنجم تا هفتم به دو گونه نوشته شده است:

١. با یک نقطه، مانند: بیس = پیس [٨ ر]؛ باداشت = پاداشت [١٧ ر]؛ پاره آتش = پاره آتش [١٧ ر]؛ بالان خر = پالان خر [٥ ر].
٢. با سه نقطه، مانند: پاردنب [١٢ ر]؛ پاسبان [١٨ ر]؛ پاندان [٣٦ پ]؛ پای افرنجن [٢٣ پ]؛ پای آورنج [٢٧ ر]؛ پای بند [١٧ پ]؛ پای رنج [١٤ ر]؛ پایگاه چهارپایان [٦ پ]؛ پاندان [٨١ پ]؛ پرستک کوهی [١٠١ ر]؛ پرستکار [٥٧ ر].

واژه کاوین = کابین (پهلوی kabēn) در [٤٩ ر]، ٨٨ پ و ویرانی = ویرانی (پهلوی awērānīh) [٢٣ پ]؛ ریاس = ریواس [٢٠ ر]؛ گرمابه = گرمابه [٤٠ پ] نیز نشان‌دهنده تحول این واج است. درباره تحول تاریخی واج /ب/ نک. (صادقی، مسائل تاریخی زبان فارسی ٢٥٩).